

دولت ترکیه و چالش گولنیسم: ابعاد سیاسی و غیردموکراتیک جنبش گولن

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۰۴ - تاریخ تصویب: ۹۶/۰۳/۲۱)

علی‌اشرف نظری^۱

برهان سلیمی^۲

چکیده

جنبش گولن (خدمت) از اوایل دهه ۱۹۷۰ به عنوان یک جنبش دینی فعالیت کرده است؛ این جنبش دارای سرمایه‌ای عظیم، میلیون‌ها هوادار و هزاران نهاد و موسسات آموزشی و رسانه‌های متعددی در ترکیه و کشورهای مختلف جهان است. در دهه‌های اخیر عناصری همچون دموکراسی، تساهل، گفتگوی بین‌دینی و اقتصاد بازار در گفتمان این جنبش گنجانده شده‌اند. تأکید بر عناصر مدنی و مدرن جنبش، از سوی پژوهشگران مختلف موجب نادیده گرفتن لایه‌های غیردموکراتیک و عمیقاً سیاسی آن شده است. این ویژگی‌ها، در یک دهه اخیر چالش‌های عمده‌ای برای دولت ترکیه ایجاد کرده است که کودتای جولای ۲۰۱۶ یکی از مصادیق برجسته آن بوده است. پرسش اصلی مقاله این است که آیا می‌توان جنبش گولن را یک جنبش اسلام‌گرای غیر سیاسی و دموکراتیک به شمار آورد؟ فرضیه مقاله نیز این است که تمرکزگرایی

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (a.ashraf@ut.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه تهران (borhan.salimi@yahoo.com)

شدید سازمانی، ساختار سلسله‌مراتبی و غیرانتخابی، ضعیف بودن مسئولیت‌پذیری جنبش در برابر دگرها و عدم پاسداشت تکثر و الزامات منطقی آن‌ها در عمل، وجوه غیردموکراتیک جنبش را آشکار می‌سازند؛ علاوه بر این، گفتار و رفتار سیاسی گولن و فعالین این جریان در خلال یک دهه اخیر، حکایت از جاه‌طلبی‌های سیاسی آن‌ها دارد. در این راستا، مقاله حاضر، جدا از بحث رهبری، فعالیت‌های داخل و خارج، گفتمان و آراء پژوهشگران مختلف در خصوص ماهیت جنبش و اهدافش، به کنکاش در وجوه غیر دموکراتیک جنبش و ابعاد سیاسی آن نیز می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: جنبش گولن، اسلام‌گرایی، مدرنیته، ناسیونالیسم ترک، جنبش اجتماعی

Archive of SID

۱. مقدمه

کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ که از سوی بخش هایی از ارتش صورت گرفت، حداقل منجر به کشته شدن ۲۴۶ نفر در اثر مقاومت در برابر آن انجامید. در این میان، ۱۷۹ نفر از این کشته شدگان، شهروندان غیرنظامی بودند و در حدود ۲۰۰۰ نفر نیز زخمی شدند (Ward, 2016: www.hrw.org). بعد از این حادثه رجب طیب اردوغان و سایر مقامات حزب عدالت و توسعه، جنبش فتح الله گولن و گولنیست ها را سازمان دهنده اصلی کودتا معرفی و با اعلام وضعیت اضطراری شروع به سرکوب، زندانی ساختن و اخراج هزاران تن از افراد نزدیک به این جنبش از نهادهای قضایی، نظامی، آموزشی نمودند. همزمان بیشتر رسانه ها، تشکل های مدنی و شرکت های اقتصادی وابسته به این جنبش تعطیل شدند. این سرکوب ها همراه با تقاضای رسمی دولت ترکیه جهت استرداد فتح الله گولن رهبر این جنبش، از ایالات متحده آمریکا به ترکیه بوده است. این جنبش در دهه های اخیر، بارها از سوی منتقدین داخلی و خارجی اش، به تلاش برای نفوذ در نهادهای دولتی و ترویج گرایشات اسلام گرایی افراطی متهم شده است. همچنین در کشمکش بین جنبش و حزب عدالت و توسعه، این جریان متهم به ایجاد دولت موازی در کشور شد.

فتح الله گولن و فعالین جنبش همواره بعد سیاسی این جنبش را انکار و تصویری مدرن و دموکراتیک از جنبش خود ارائه می کنند. از سوی دیگر، بسیاری از پژوهش هایی که در مورد این جنبش صورت گرفته است، جنبه های مدرن گفتمانی آن را برجسته می کنند و آن را یک جنبش اسلام گرای مدرن و مدنی که تفاوت چشمگیری با جنبش های اسلام گرا در خاورمیانه دارد، ارزیابی کرده اند. پرسش اصلی مقاله حاضر این است آیا می توان جنبش گولن



را یک جنبش اسلام‌گرای غیر سیاسی و دموکراتیک به شمار آورد؟ فرضیه مقاله نیز این است که تمرکزگرایی شدید سازمانی، ساختار سلسله‌مراتبی و غیرانتخابی، ضعیف بودن مسئولیت‌پذیری جنبش در برابر دگرها و دولت محوری آن در عمل، وجوه غیردموکراتیک جنبش را آشکار می‌سازند؛ علاوه بر این، گفتار و رفتار سیاسی گولن و فعالین این جریان در خلال یک دهه اخیر، حکایت از جاه‌طلبی‌های سیاسی آن‌ها دارد.

در این راستا، ابتدا با تکیه بر یک رهیافت تلفیقی از نظریات مطرح در جامعه‌شناسی سیاسی در خصوص جنبش‌های اجتماعی، سعی در فهم ویژگی‌ها و عوامل تاثیرگذار بر گسترش جنبش خواهد شد. سپس به بحث رهبری، فعالیت‌های جنبش در داخل و خارج از ترکیه و آراء پژوهشگران مختلف در خصوص ماهیت و اهداف آن پرداخته می‌شود. در بخش دیگر مقاله، در راستای اثبات فرضیه، بر ابعاد غیردموکراتیک و عمیقاً سیاسی آن تمرکز خواهد شد. از لحاظ روش‌شناختی نیز، روش توصیفی-تحلیلی جهت کنکاش و پاسخ به سوال اصلی مقاله مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

۲. مباحث نظری

بحث جنبش‌های اجتماعی در اشکال کلاسیک و جدید آن، ادبیات وسیعی را در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی به خود اختصاص داده است. ریشه‌ها، ویژگی‌های جنبش‌ها، بسیج منابع و تاثیرات آن‌ها به مثابه شکلی از فعالیت سیاسی جمعی بر نهاد دولت، جامعه مدنی، سیاست هويت و منازعات گفتمانی و شکل‌دهی شیوه زندگی افراد جامعه، همواره منشاء پیدایش نظریه‌های مختلفی در جامعه‌شناسی سیاسی بوده‌اند (Nash, 2010: 87-123). نظریه‌های محرومیت نسبی،

انتخاب عقلانی، بسیج منابع و جنبش های اجتماعی جدید، بخشی از نظریات فوق می باشند. این نظریات هر کدام بحث ها و نقدهای وسیعی را در محافل آکادمیک برانگیخته اند و در کارآمدی تبیینی آن ها همواره مناقشات عمده ای مابین صاحب نظران صورت گرفته است. لازم به ذکر است از جنبش اجتماعی به طور کلی و جنبش های اجتماعی جدید نیز، تعاریف متعددی صورت گرفته است و اجماع نظری در خصوص تعاریف در این زمینه وجود ندارد.

تلفیقی از نظریه های جنبش های اجتماعی (با ویژگی های کلاسیک و جدید) و نظریه بسیج منابع می تواند تاحدودی تبیین کننده کنشگری جنبش گولن در عرصه جامعه مدنی و سیاست ترکیه باشد. از ویژگی های کلاسیک و جدید جنبش های اجتماعی که جنبش گولن حامل آن می باشد، می توان به بهره برداری جنبش از شکاف دین و دولت سکولار، وجود یک سازمان فعال، رهبری کاریزماتیک، بهره برداری از علائق و نگرانی های جهانشمول (مانند دموکراسی، صلح، تساهل، گفتگو بین دینی- فرهنگی)، جهت گیری جنبش به سمت دولت و جامعه مدنی، تلاش برای تاثیر و تغییر افکار عمومی (از طریق یک گفتمان اسلام گرای ترکی)، تکیه بر نهادهای آموزشی و رسانه های جمعی (روزنامه، مجله، دانشگاه، مدارس، کانال های ماهواره ای و اینترنت) جهت تسخیر افکار و احساس عمومی و پیشبرد اهداف و غیره اشاره کرد.

نظریه بسیج منابع نیز از سوی نظریه پردازانی همچون اولسون^۱، اوبرشال^۲، مایر زالد و مک کارتی^۳ و چارلز تیلی^۱ مطرح و بسط داده شده است. منظور از

^۱. Mancur Olson

^۲. Anthony Oberschall

^۳. Mayer Zald and John McCarthy



منابع در این نظریه، منابع مادی و غیرمادی هستند و بسیج نیز، به فرآیندی گفته می‌شود که گروه‌ها منابع را جهت تعقیب اهداف مدیریت می‌کنند. در این راستا هر یک از نظریه‌پردازان بر اهمیت انتخاب عقلانی افراد و رهبران، سازمان‌های جنبش اجتماعی، مشروعیت، پول، کار حامیان و امکانات، رسانه و... جهت مشارکت در جنبش تاکید دارند. اما چارلز تیلی بر اهمیت ساختار فرصت‌های سیاسی و دولت تاکید دارد (nash, 2010: 93-99).

منابع چشمگیر مادی و غیرمادی، سهم عمده‌ای در گرایش و مشارکت فعالین و شهروندان محافظه کار ترکیه در جنبش گولن یا هواداری از اهداف اسلام-گرایانه ترکی آن داشته و دارند. اما فرصت‌های سیاسی ساختاری به مفهوم تسهیلات و تساهل دولت ترکیه از دوره توگورت اوزال تا هم‌پیمانی و حمایت حزب عدالت و توسعه از آن تا سال ۲۰۱۲، نقش مهمی در گسترش فعالیت‌ها و پایگاه اجتماعی وسیع در داخل ترکیه و نفوذ بیش از پیش این جریان در نهادهای دولتی داشته است.

سیاست مداخلات رهبری جنبش با دولت‌های کمالیستی و پنهان ساختن اهداف سیاسی اش، تداوم فعالیت را در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تضمین ساخت. اما بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، بدلیل نیاز دو طرف و منافع و علائق دینی مشترک، یک هم‌پیمانی غیر رسمی میان آن‌ها شکل گرفت و جنبش آزادی عملی بی سابقه یافت و یک امپراطوری اقتصادی، آموزشی و رسانه‌ای را هدایت می‌کرد. این گسترش نفوذ در جامعه مدنی و

^۱. Charles Tilly

نهادهای دولتی، اعتماد به نفس بیشتری به آن در راستای تاثیرگذاری بر سیاست‌های داخلی و خارجی دولت ترکیه داد.

۳. ماهیت رهبری جنبش گولن

رهبری جنبش گولن یا «خدمت» را فتح الله گولن نویسنده و خطیب سابق مساجد ترکیه بر عهده دارد. جنبش در داخل ترکیه، آسیای میانه، اروپا، آمریکا و آفریقا فعال و دارای هزاران مراکز آموزشی، خوابگاه، شبکه وسیع رسانه‌ای، روزنامه، مجلات و میلیون‌ها هوادار است. جنبش همچنین به فعالیت‌های تجاری و اقتصادی در ۱۲۰ کشور مشغول بوده و مؤسساتی برای گفتگوی بین دینی در کشورهای مختلفی از جمله آمریکا، استرالیا و برخی مناطق اروپای غربی و شرقی تأسیس کرده است. این فعالیت‌ها، از سوی رسانه‌های بین‌المللی به عنوان نماد اسلام میانه‌رو (فعالیت‌های جمعی ملهم از اسلام معتدل) مورد استقبال قرار گرفته است (Henderick, 2013: 4).

گولن متولد ۱۹۴۱ منطقه پسینلر^۱ ارزروم ترکیه است. پدرش رمزی افندی، امام مساجد نهادهای حکومتی در شهرهای مختلف بود (Ergene, 2008: 6). تحصیلات ابتدایی و آموزش دینی غیررسمی را در روستای محل تولدش آغاز کرد. در سن ۲۱ سالگی اجازه وعظ و خطابه در آدرنه از ایالات غربی ترکیه به او داده شد. این روند در ارزروم نیز، بدلیل استعدادش در این زمینه ادامه داد. او در دهه ۱۹۵۰ متأثر از آثار سعید نوری از نویسندگان مسلمان ترکیه بود. نوری به آسیب‌شناسی مشکلاتی که جهان اسلام و بشریت بدان مبتلا بودند،



پرداخت و بر سه مساله فقر، بی‌سوادی و تفرقه انگشت گذاشت
 (http://www.fethullah-gulen.org/biography.html). گولن هنوز
 هم، بر این مشکلات و اهمیت حل آن‌ها در مصاحبه هایش با ارجاع به نرسی
 تاکید دارد. او از سال ۱۹۶۶ به بعد واعظ ارشد منطقه ای در ازمیر و سخنران
 مساجد چندین ایالت دیگر بود. موضوع اصلی سخنرانی های او در این دوره
 عدالت اجتماعی، بهبود وضعیت اقتصادی، احیای آموزش و پیشرفت
 تکنولوژیکی جهت علاج بیماری‌های مورد اشاره نرسی بوده
 است (http://www.fethullah-gulen.org/biography.html).

از سال ۱۹۷۶ اولین خوابگاه و بعدها مدارس متعلق به جنبش در برخی از
 شهرهای ترکیه از جمله استانبول، بورسا و آنکارا تاسیس شدند. همچنین
 نهادهای آموزشی گولنی‌ها در این سال‌ها، دوره های آموزشی برای دانش
 آموزان برگزار می کرد که به گفته هلن اییوگ^۱ جامعه شناسی که پژوهش
 هایی در خصوص جنبش گولن انجام داده است، ۷۵ درصد دانش آموزانی که
 در این دوره ها شرکت می کردند، توانستند از امتحانات ورودی دانشگاه را
 پشت سر بگذارند. بعد از کودتای ۱۹۸۰، گولن به اتهام تلاش جهت سرنگونی
 حکومت و تاسیس حکومت اسلامی مورد سوء ظن شدیدی بود و دستگیر شد.
 اما با ضمانت نخست وزیر توگورت اوزال آزاد شد (Bilginan, 2016: al-
 monitor).

در اوایل دهه ۱۹۹۰، فتح الله گولن از واعظان مساجد مشهور استانبول و ازمیر
 بود. در این دوران تأسیس موسسات آموزشی، مدارس و دانشگاه های مختلف



^۱. Helen Rose Ebaugh

دولت ترکیه و چالش گولنیسم... ۱۶۵

از سوی هواداران و نزدیکانش در ترکیه و کشورهای آسیای میانه آغاز و به تدریج گسترش یافت. او در سال ۱۹۹۸ با پاپ ژان پل دوم در ترکیه دیدار و در خصوص گفتگوی بین ادیان با او به بحث پرداخت. علیرغم اینکه این دیدار در ترکیه مورد استقبال قرار گرفت، اما گولن با انتقادات محافل اسلام‌گرایان رادیکال و سکولاریست‌های سرسخت مواجه شد. گروه اول این دیدار و گفتگوی بین دینی را با غیرمسلمانان، پایین آوردن منزلت اسلام تفسیر کردند. گروه دوم نیز، عدم اجازه از دولت، در انجام چنین دیدارهایی را گویای سودای تأسیس دولت اسلامی از سوی گولن برشمردند (Kalyoncu, 2008: 10).

اسلام‌گرایی گولن آمیخته با نوعی گرایش ملی‌گرایانه ترکی می‌باشد و این مساله را می‌توان از طریق تحلیل گفتار سیاسی و علایق و مواضع نسبت به مسائل مختلف درک کرد. گولن در میان چهره‌های تاریخی گفتمان اسلامی ترکیه، علاقه خاصی به «محمد عکیف» همان شاعری که سرود ملی ترکیه را سرود و سلطان محمد فاتح دارد. محمد عکیف به عنوان یک اسلام‌گرای مدرن شهرت دارد که متأثر از سیدجمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده بود و گرایشات نوگرایانه اسلامی را با شور و شوق فرهنگی و ملی در خود جمع کرده بود (Bilici, 2006: 10). جدا از مولانا جلال‌الدین رومی و غزالی که از شخصیت‌های تأثیرگذار بر اندیشه گولن محسوب می‌شوند، آثار روشنفکران محافظه‌کاری چون نجیب فاضل کریک، نرتین توپچو، سیزای کاراکوچ نیز بر گرایشات فکری و ایدئولوژیکی او سهم زیادی داشته‌اند. یکی از وجوه متمایز گولن و جنبش او نسبت به سایرگروه‌های اسلام‌گرا، پافشاری بر اصطلاح اسلام ترکی است که نشان از رگه‌های ملی‌گرایی ترکی در جنبش دارد (Yavuz and Esposito, 2003: 21).



بهار ۱۳۹۶
سال سوم، شماره ۹

پخش یک ویدئو در بهار ۱۹۹۹ که در آن گولن به هوادارانش اندرز نفوذ در نهادهای دولتی می داد، موجب سروصدای زیادی در فضای سیاسی ترکیه گشت. ویدئوی فوق از سوی رسانه‌های ترکیه پخش شد و گولن بلافاصله به بهانه درمان پزشکی از ترکیه خارج و به آمریکا مهاجرت کرد. او هم اکنون با جمعی از دانشجویان و نویسندگان هم‌فکرش مقیم ایالت پنسیلوانیای آمریکا است.

۴. جنبش گولن در داخل و خارج ترکیه

جنبش گولن تا قبل از کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶، یکی از مهمترین نیروهای جامعه مدنی ترکیه بود. این جنبش نهادها و مراکز مختلف آموزشی، فرهنگی، مدنی و اقتصادی گسترده‌ای را سرپرستی می‌کرد. شعار گفتگوی بین فرهنگی و دینی، یکی از شعارها و برنامه این جنبش دینی بود که از طریق نهادها و رسانه های متناسب به آن ترویج می‌شد. این بحث با مطرح شدن نظریه برخورد تمدنها و حوادث یازده سپتامبر، پیش از پیش در تبلیغات و کنفرانس‌های داخلی و خارجی جنبش مطرح شده است.

جنبش دارای دهها سایت به زبان‌های مختلف، یک دانشگاه در استانبول، شبکه وسیعی از نهادهای آموزشی و فرهنگی، بیمارستان، نهادهای خیریه، خوابگاه‌ها، یک شبکه رسانه‌ای وسیع که شامل روزنامه زمان به زبان ترکی، ایستگاه تلویزیونی راه ابریشم و شبکه مهتاب، یک کانال ماهواره ای بنام Ebru در آمریکا بود. همچنین بایستی به آژانس خبری جهان، سایت زمان امروز^۱ به

^۱. Today's Zaman

زبان انگلیسی، مجله خبری و هفتگی اکسیون، نهادهای مالی اسلامی مانند بانک آسیا و شرکت بیمه اشاره کرد (Rabasa and Larrabee, 2008: 16).

یکی از نهادهای موثر که گولن ریاست افتخاری آن را بر عهده گرفت، بنیاد نویسندگان و روزنامه نگاران^۱ بود که نشست های آن در ۲۹ ژوئن ۱۹۹۴ در استانبول برگزار و تأسیس شد. این نهاد جلسات و کنفرانس هایی را با حضور نویسندگان، هنرمندان، مقامات رسمی حکومت، فعالین حوزه عمومی ترکیه و مهمانان خارجی برگزار می کرد و با پوشش رسانه ای وسیع، به بحث و تبادل نظر در خصوص مباحثی چون گفتگوی بین فرهنگی و ادیان، تساهل، استقبال از تنوعات اجتماعی پرداخته است. این نهاد، حامی چندین پلاتفرم بوده است که عبارتند از: پلاتفرم آبان، که در آن گفت و گوهای بین روشنفکران و نویسندگان در خصوص مشکلات ملی و بین المللی صورت گرفت یا پلاتفرم اورآسیا (شامل نمایندگان ۱۲ کشور از روسیه و دیگر کشورهای آسیایی)، پلاتفرم گفتگوی بین فرهنگی که در تجمع آبراهامیک ترکیه، فدراسیون روسیه، سوئد و آلمان سازماندهی شد. بنیاد فوق همچنین به انتشار آثار گولن و دیگر نویسندگان و یک مجله ماهانه در روسیه و ترکیه می پرداخت (Rabasa and Larrabee, 2008: 16).

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و ظهور ۱۵ جمهوری مستقل، برخی از این جوامع به لحاظ فرهنگی و زبانی با ترکیه اشتراکات عمده ای داشتند. به همین واسطه ترکیه از همان ابتدا با اشکال مختلف سعی در پر کردن خلأ موجود و بسط نفوذ خود در این مناطق پرداخت. جنبش گولن نیز، در همین مقطع دست به فعالیت های گسترده آموزشی و فرهنگی خود در این جمهوری ها زد. چنانکه



فعالین جنبش نیز اظهار داشته اند که به دلایل اشتراکات زبانی و فرهنگی، فرصت ها و زمینه های فعالیت جنبش در این مناطق مهیاتر از کشورهای دیگر بود و فعالیت های فرامرزی فوق در زمره تجارب اولیه جنبش گولن در خارج از ترکیه محسوب می شود. بیرنا تورام^۱ معتقد است که جنبش در این مناطق آسیای میانه دارای یک گرایش قومی - مذهبی است و به دنبال تقویت ریشه های تاریخی مشترک ترک ها با هم در منطقه و گسترش نقش اسلام در زندگی روزانه مردم است (Tittensor, 2014:4).

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، گروهی از بازرگانان و مدرسان ملهم از آرای گولن، به تأسیس موسسات و نهادهای آموزشی و فعالیت های بازرگانی در جمهوری آذربایجان پرداختند. در سال ۱۹۹۱ در قزاقستان اولین مدرسه کار خود را آغاز کرد؛ بعد از دو سال، تعداد آنها بالغ بر ۲۸ مدرسه در این کشور بود؛ همچنین در سال ۱۹۹۶ به تأسیس دانشگاه دست زدند. بین سالهای ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ در قرقیزستان هم به تاسیس ۱۲ مدرسه و یک دانشگاه اقدام کردند و ۲۰ مدرسه نیز، در ترکمنستان ایجاد کردند. در ازبکستان جنبش با چالش هایی مواجه بود. علیرغم موفقیت های اولیه و راه اندازی ۱۸ مدرسه در خلال سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵، اما بحران و تنش در مناسبات این کشور با ترکیه منجر به بستن مدارس گردید.

فعالیت جنبش به این جمهوری ها نیز محدود نشد و در کشورهای غیرمسلمان در اروپای شرقی مانند بلغارستان، رومانی، مولدوا، اوکراین گرفته تا روسیه، استرالیا، اندونزی، فیلیپین، ژاپن، مالزی، کره جنوبی، ویتنام و غیره جریان



سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۶

^۱. Berna Turam

یافت (4: 2008, Kalyoncu). در ایالات متحده آمریکا نهادهای مختلفی چون بنیاد نیاگارا^۱، موسسه رومی^۲، انستیتوی گولن^۳، انستیتوی گفتگوی بین عقاید^۴، انستیتوی صلح^۵، خانه ترکی^۶ در راستای گفتمان جنبش به فعالیت می پردازند. علاوه بر این، این گونه نهادها همراه با وبسایت های متعدد به زبان های مختلف، به ارائه تفسیری مدرن از اسلام با پسوند ترکی و بحث صلح و گفتگوی بین فرهنگی- دینی می پردازند. در کشورهای اروپایی نیز همچون بلژیک، هلند، آلمان و انگلستان و ایرلند نیز حضور دارند و بحث گفتگوی بین فرهنگی - دینی، همواره در برنامه کاری آن ها قرار دارد (Lacey, 2014, www.gulenmovement.us).

جنبش در میان دیاسپورای ترک اروپا هم، بویژه آلمان نفوذ چشمگیری دارد و دارای نهادها و موسسات آموزشی مختلفی در شهرهای متعدد این کشور است. این نهادها نقش مهمی در ادغام مهاجرین ترک در جامعه آلمان، با حفظ ریشه های دینی و فرهنگی خود داشته اند (Irvine, 2007, Fethullahgulenconference.org).

بحث ادغام یا حقوق جمعی مهاجرین در اروپا مجادلات عمیقی را برانگیخته و منجر به انتشار آثاری در خصوص موانع چندگانه ادغام مهاجرین در جوامع میزبان گشته است. جنبش از طریق نهادهای فوق مدافع جامعه چند فرهنگی

-
۱. Niagara Foundation
 ۲. Rumi Forum
 ۳. The Gulen Institute
 ۴. The Institute Interfaith Dialogue
 ۵. Pacifica Institute
 ۶. Raindrop Turkish House



است که به زعم جنبش، ریشه در سنن تاریخی مسلمانان دارد. این نهادها هیچ-گونه کمک مالی از سوی دولت آلمان یا ترکیه دریافت نمی کنند. دوره های مختلف زبان ترکی و آلمانی برای مهاجرین ترک در زمره فعالیت و خدمات آن‌هاست. همچنین به برگزاری سمینار، کنفرانس در خصوص گفتگوی بین فرهنگی- دینی و راه اندازی تورهای مسافرتی به ترکیه جهت آشنایی بیشتر آلمانی ها با فرهنگ ترکیه می پردازد. دورتموند و مونیخ، مرکز فعالیت های بیشتر جنبش در این زمینه هاست.

جنبش در پلاتفرم‌های مختلف نهادهای تأسیسی‌اش در غرب، خود را جنبشی فکری- جهانی معرفی می‌کند که در مناطق درگیر جنگ و کشمکش، مدارس و نهادهای آموزشی و مدنی‌اش، سنگر دفاع از هارمونی و تعامل بین قومی، مذهبی، دینی و فرهنگی است و مهمترین اهدافش کارهای خیریه، آموزش و گفتگوی بین فرهنگی-دینی است. صلح و گفتگوی بین دینی-تمدنی از دیگر ارزش‌ها و اصول کلیدی جنبش در غرب است که در قالب نهادهای آموزشی‌اش تبلیغ می‌شود.

۵. سیالیت گفتمانی جنبش گولن

گفتمان جنبش گولن در طی این چند دهه از فعالیت‌اش تغییرات عمده‌ای کرده‌است. گسترش فعالیت‌های جنبش از یک سو و تحولات شتابان در عرصه‌های مختلف در ترکیه، منطقه و عرصه بین‌المللی از سوی دیگر، سهم عمده‌ای در صورت‌بندی مداوم گفتمان آن داشته است. جنبش در آغاز شکل‌گیری‌اش در دهه ۱۹۷۰ گفتمان روشنی‌نداشت و گولن و نزدیکانش متأثر از نوشته‌های نورسی و پیوند نزدیک با جماعت نورسی‌ها بودند. آن‌ها در این مقطع از عدم توجه جدی دولت ترکیه به بعد اسلامی هویت مردم ناخرسند و



تبلیغ ارزش‌ها و اصول اسلامی را در جامعه از طریق نهادهای آموزشی ضروری می‌دانستند. گولن نگران دانش محدود جوانان ترکیه از اسلام بود که از عدم تدریس و آموزش در مدارس ناشی می‌شد. به واسطه کنترل دولت، فرصت‌ها جهت یادگیری در زمینه اسلام محدود بود. به همین واسطه آن‌ها به تأسیس کمپ‌های تابستانی در نزدیک از میر برای جوانان و آشنایی آن‌ها با ارزش‌های اسلامی پرداختند (Yauz and Esposito, 2003: 53).

تسلط گفتمان چپ و گرایش‌های ماتریالیستی، تحولات اجتماعی و اقتصادی در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، سهم عمده‌ای در فرا رفتن از پروژه فکری نوری داشت. علاوه بر این تمرکز گولن بر آموزش و نهادهای فرهنگی و تلاش در راستای افزایش نقش اسلام در دگرگونی‌ها و اصلاح جامعه، او را از نوری و جماعت نوری‌ها متمایز ساخت. در این مقطع دگرهای گفتمانی جنبش، کمالیسم و گفتمان چپ بود. نادیده گرفتن بعد اسلامی هویت ترکی با مغفول ماندن میراث اسلامی توسط دولت کمالیستی حاکم بر ترکیه، سبب به حاشیه راندگی و کنترل جریان‌ها و محافل مختلف اسلامی شده بود. از طرف دیگر سلطه گفتمان چپ در فضای سیاسی بین‌المللی و دهه ۱۹۷۰ ترکیه، محافظه‌کاران اسلام‌گرا را از فراگیر شدن تبلیغات آن‌ها در خصوص دین نگران ساخته بود. رگه‌های ناسیونالیستی جنبش از اواخر دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به تدریج برجسته شد، که گرایش‌های نئوعثمانیستی بخشی از آن است.

در یک دهه اخیر نیز، تساهل، گفتگوی بین‌دینی - فرهنگی، دموکراسی، نفی خشونت و ابزاری شدن اسلام در سیاست خاورمیانه در گفتمان آن برجسته است. فهم دولت‌محورانه اسلام در میان جماعت گولن و خود او، ریشه در فرهنگ ناامن آناتولی و فروپاشی امپراطوری و میراث عثمانی دارد. در دوره



جنگ سرد نیز، سیاست‌های اتحاد شوروی و تمایلات کمونیستی، گرایش‌های دولت‌محورانه را در میان نرسی‌ها و گولنی‌ها در جهت خنثی‌سازی و کنترل کمونیسم تقویت کرد. چنانکه خود گولن، بنیاد ترکیه برای مبارزه با کمونیسم را تشکیل داد و نرسی‌ها نیز به‌همین دلیل، در زمره گروه‌های طرفدار ناتو و آمریکا در ترکیه بودند (Yauz and Esposito, 2003: 22). مثلاً در مصاحبه‌ای با روزنامه صباح در سال ۱۹۹۵ گولن ابراز می‌دارد که «من طرفدار دولت و ارتشم، چون در صورت نبود دولت، آشفتگی و آنارسی پیش می‌آید». او در حین اجتناب از رویارویی با دولت، همزیستی هویت اسلامی، ملی (ترکی) و سنت و منافع دولت را در ترکیه امری امکان‌پذیر می‌دانست.

کشف دوباره عظمت و میراث عثمانی و تمجید آن، بخشی از پروژه جنبش، تا به امروز بوده است. پروژه فوق از دهه ۱۹۹۰ برجسته شد. این چنین گرایش‌هایی به چالش طلبیدن کمالیسم و گفتمان رسمی دولت بود که تلاش‌اش عمدتاً معطوف به نادیده گرفتن امپراطوری و یا روایت‌هایی انتقادی و تحقیرکننده از آن بود. تاکید گولن بر تاریخ و اهمیت حافظه جمعی برای امروز و آینده ترکیه، از این منظر قابل فهم است. برخی از کمالیست‌ها این گرایش‌ها را تلاش در راستای تاسیس یک دولت اسلامی قلمداد می‌کنند و ترس از پروژه یادآوری گذشته جنبش را، تلاش در جهت ساخت جمهوری دینی ارزیابی کرده‌اند. گولن و طرفدارانش در نقد سیاست‌های غربی شدن، تردیدی به خود راه نمی‌دهند و این تقلیدها را سبب اضمحلال دولت و میراث عثمانی و ترکیه امروز دانسته‌اند (Yauz and Esposito, 2003: 23).

ترویج یک مدل اسلام با پسوند ترکی و تا حدودی سکولار، به‌مثابه تفسیر و مدل اصیلی که با روح اسلامیت هم‌خوانی دارد، نه تنها گویای رگه‌های ملی



گرایی ترکی در گفتمان جنبش دارد، بلکه گاهی به تحقیر سایر گفتمان‌ها و تفاسیر رایج در جهان اسلام می‌انجامد. مثلا در مصاحبه‌ای که هاکان یاوز^۱ با گولن در فلادلفیا (در اکتبر ۲۰۰۰) با گولن داشته است، او ابراز می‌دارد: مسلمانانی که در ترکیه زندگی می‌کنند، در میراث عثمانی سهم بوده‌اند و آن‌را میراث خود می‌دانند و خودشان را ترک تعریف و باید به مثابه ترک نیز، مورد توجه قرار گیرند. گولن منتقد عرب‌ها در سهم شان بابت فروپاشی عثمانی است و آنها را مقصر در خلق تصویری منفی از اسلام با تقلیل اسلام به ایدئولوژی می‌داند؛ او همچنین بین اسلام قبیله‌ای عرب و اسلام شهری عثمانی که سلاطین عثمانی نمایندگی می‌کردند، تمایز قائل می‌شود. به همین واسطه است که مدارس و نهادهای آموزشی گولن در بالکان و آسیای میانه وجود دارند و کمتر در خاورمیانه عربی فعالند (Yavuz and Esposito, 2003: 24).

گولن در مورد دموکراسی و دولت در اسلام نیز، در مصاحبه با روزنامه صبح ابراز می‌دارد: دموکراسی و اسلام با همدیگر سازگارند؛ ۹۵ درصد احکام و دستورات اسلام در پیوند با زندگی شخصی و خانواده است؛ فقط پنج درصد از آن به موضوع دولت اختصاص دارد، که آن هم می‌تواند تنظیم و در چارچوب دموکراسی گنجانده شود. اگر بعضی افراد در فکر چیزهای در جای دیگر، همچون یک دولت اسلامی هستند، تاریخ و سنت اجتماعی این کشور به چنین چیزهایی اجازه نمی‌دهد، دموکراتیزاسیون در ترکیه پروسه‌ای غیر قابل برگشت می‌باشد (Yavuz and Esposito, 2003: 28). از دید گولن، هدف اسلام یک فرم غیر قابل تغییر حکومت نیست. به جای آن، اسلام با تعیین یک سری اصول



بنیادی می‌تواند ویژگی‌های عمومی حکومت را جهت دهد. اسلام به مردم حق انتخاب نوع و شکل حکومت را متناسب با زمان و شرایط داده است. از دید او، اسلام در مورد دولت، حکومت مبتنی بر قرارداد اجتماعی را تجویز کرده است (Yavuz and Esposito, 2003:28).

گولن همواره خشونت‌های اسلام‌گرایان افراطی در خاورمیانه و غرب را محکوم و آن را در تضاد با آموزه‌های اسلامی قلمداد کرده است. در این راستا او علاوه بر محکوم کردن حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا، در ۲۲ اگوست ۲۰۱۴ نیز، با انتشار بیانیه‌ای به مناسبت قتل روزنامه‌نگار آمریکایی جیمز فولی^۱، این عمل داعش را محکوم و اعلام کرد که هر شکل از حمله، سرکوب و تعقیب اقلیت‌ها و شهروندان مدنی بی‌گناه در تضاد با اصول قرآن و سنت پیامبرمان است که پیامبر صلح و رحمت بوده است (Gulen, 2014, www.fethullahgulenforum)

۶. موافقان و مخالفان جنبش گولن

آثار آکادمیک و سیاسی مختلفی در مورد جنبش گولن به زبان انگلیسی انتشار یافته است، که برخی از آن‌ها اطلاعات ارزنده‌ای را در خصوص جنبش، رهبری، ماهیت گفتمان ایدئولوژیک، اهداف، پایگاه اجتماعی و حجم فعالیت داخلی و خارجی آن ارائه کرده‌اند. هاکان یاوز^۲ معتقد است که در ترکیه، اسلام بیشتر عامل ثبات اجتماعی بوده است تا نیروی برانگیزنده پروژه‌های سیاسی رادیکال؛ ایده‌های دینی در عمل

19. James Foley -

۲. Yavuz

ایستا نبوده و همیشه سیال و مستعد تغییر بوده‌اند. نمونه آن جنبش نوری که از نام بنیانگذار آن گرفته شده است، می‌باشد. مطالعه منابع آن، نشان از توانایی سنت دینی در جذب گفتمان جهانی، دموکراسی، پلورالیسم و اقتصاد بازار دارد. جنبش گولن نیز، از دید یاووز، نشان از سازگاری اسلام از یک طرف و سکولاریسم، دموکراسی و پلورالیسم فرهنگی از طرف دیگر دارد. این جنبش توانایی زیادی در همراهی با گفتمان‌های مختلف و بهره‌گیری از فرصت‌های تکنولوژیکی، سیاسی و اقتصادی دارد. اگرچه جنبش گولن متأثر از نوری است، اما تفاوت‌های قابل توجهی نیز با آن دارد. جنبش گولن عمل‌گراتر است و گرایش به دگرگونی جامعه از طریق بسط و گسترش نهادها و طرفدارانش دارد. مشارکت در امور اجتماعی و درگیر شدن در نهادها و مسائل سیاسی نیز، آن‌ها را از نوری و جنبش نوری‌ها متمایز می‌کند. نوری بیشتر گرایش به دعوت و اقناع در سطح فرد و امتناع از رویارویی خشونت‌آمیز با سیستم داشت و بر اهمیت اقناع و تبلیغ تأکید داشت. گولن نیز، ایده‌ها را به مثابه سلاحی جهت اقناع در حوزه عمومی می‌بیند و بر اهمیت گفتگو و اقناع در عرصه عمومی پای می‌فشارد (Yavuz and Esposito, 2003: 3). برخی از نویسندگان، گولن را مروج اسلام میانه‌رو (گولن معتقد است که اسلام فی‌نفسه، میانه‌رو است) بر می‌شمارند و دغدغه او را پیشرفت تکنولوژیکی و علمی جهان اسلام از طریق مؤسسات آموزشی و فرهنگی می‌دانند. به عنوان مثال ابراهیم ابورابی، گولن را مدافع درک مترقیانه از اسلام می‌داند که خواهان درگیر شدن مسلمانان در مسائل جهانی بدون هراس از پیش‌داوری است (Ebaugh, 2010: 2).



دوغان کوچ^۱، گولن را نویسنده مسلمان و معتدل ترکیه می‌داند که عمده شهرتش مدیون فعالیت های آموزشی و گفتگو محورش است، که شمار آن به صدها مدرسه و موسسات آموزشی در سراسر جهان می‌رسد. او در عین همدلی با جنبش گولن، به تحلیل محتوای آثار منتقد گولن به زبان های ترکی و انگلیسی پرداخته است. کوچ، اتهامات وارده بر گولن و جنبش را یک استراتژی حساب شده و برنامه ریزی شده مخالفینش بر می‌شمارد که در عمده آثار به زبان ترکی (مثل آثار حکمت چتین کایا و...) گولن به عنوان عامل آمریکایی معرفی می‌شود که هدفش تأسیس دولت اسلامی (احیای خلافت) یا عامل صهیونیسم و تباهی اسلام از طریق پروژه اسلام معتدل می‌باشد. در آثار مختلف به زبان انگلیسی هم، اهداف گولن و جنبش، احیای امپراطوری عثمانی، تأسیس دولت اسلامی در ترکیه، عامل گسترش بنیادگرایی دینی در غرب از طریق موسسات آموزشی و اسلامیزه کردن جامعه غربی ذکر می‌شود (Koc,2011: 190).

انیس ارگن^۲، جنبش را جنبشی ایدئولوژیک ملهم از یک سازمان نمی‌داند. از دید او، گولن خودش مخالف تبدیل دین به یک ایدئولوژی سیاسی است و اشتباه است که آن را با اسلام گرایی سیاسی یکسان بدانیم، بلکه این جنبش دارای هویت فرهنگی، اجتماعی و دینی و مستقل از هرگونه ساختار سیاسی و ایدئولوژیکی است؛ چنانکه خود گولن نیز، در سراسر زندگی اش از سیاست دوری و به دنبال اهداف سیاسی نبوده است. جنبش نه حرکتی واکنشی، بلکه ماهیتی پلورال و مدافع گفتگو و تساهل است (Ergene,2008: 16-17).

^۱. DuganKoc

^۲. Ergene

پرفسور اکبر احمد، از صاحب نظران اندیشه و مسائل جهان اسلام، در مقدمه ای که برای کتاب «ژیل کارول»^۱ نگاشته است، ضمن تأکید بر نفوذ جنبش گولن، بر اهمیت بحث‌های تساهل و گفتگوی بین‌فرهنگی و دینی (اسلام و غرب) گولن تأکید دارد و به تأثیرپذیری گولن از مولانا جلال‌الدین رومی و سنت تصوف در اسلام اشاره می‌کند. کارول نیز، در کتاب خود، گولن را رهبر و متفکری دینی با گرایش‌ات انسان دوستانه برمی‌شمارد و دیدگاه‌های او در پیوند با مسائلی چون آزادی، آموزش، مسئولیت‌پذیری، ارزش‌های ذاتی بشر، کرامت اخلاقی و آرزوهای بشر با آراء متفکران غربی چون استوارت میل، سارتر و غیره مورد بحث و مقایسه قرار می‌دهد (7: Carroll, 2007).

«مایکل روبین»^۲ از مخالفان دیرین و امروز گولن و جنبش خدمت بوده است. از دید روبین، برخی بیانی‌های گولن، پرسش‌های جدی را در خصوص صداقت این فرد به بحث تساهل و گفتگوی بین‌فرهنگی و دینی ایجاد می‌کند. از منظر روبین، مطالب منتشر شده در روزنامه گولنیست‌ها بویژه روزنامه زمان، مملو از تئوری‌های توطئه ضد یهودی است. طرفدان او در شبکه‌های اجتماعی نیز مانند توئیتر، از مطالب استیفا والت (منتقد اسرائیل) استقبال می‌کنند (Rubin, 2014, commentary).

کرامیان و همکارانش^۳ معتقدند پروژه و درک گولن از سیاست را به دلیل فهم دولت‌محورانه اسلام، ارجحیت جمع و دولت بر حقوق فردی، وجود گرایش‌ات نخبه‌گرایانه، ضعیف بودن مسئولیت‌پذیری جنبش در برابر دگرها و



۱. Carroll
۲. Rubin
۳. Karamyan and Ishtiaq

عدم انتقاد از سیاست‌های سرکوب‌گرانه دولت ترکیه نمی‌توان لیبرال یا دموکراتیک خواند. جنبش دارای رگه سنت اسلامی-ترکی است و به لحاظ اجتماعی فراگیر و دارای وجوه نخبه‌گرایانه می‌باشد. در حوزه فکری و عمومی ترکیه گولن به مانند یک رهبر مذهبی در نظر گرفته می‌شود که خواهان تساهل نسبت به دیگران و گفتگو با همه گروه‌هایی که هدفشان بسط مدنیت در ترکیه است، می‌باشد. لذا همانند نوری و جنبش نوری، گولن نیز از در مصالحه و آشتی با دموکراسی و سکولاریسم درآمده، بدون اینکه خود دموکرات و سکولار باشد (Karamyan and Ishtiaq, 2012: 9).

بایرم بالچی نیز که نویسنده‌ای فرانسوی با تبار ترکی است و تز دکترای خود را در خصوص مدارس جنبش در آسیای میانه نگاشته است، هدف فتح الله گولن را اسلامیزه کردن ملیت ترکی (در داخل) و ترکی‌سازی اسلام در کشورهای خارجی می‌داند. از دید او، هدف جنبش در واقع احیای پیوند دین و دولت و جامعه است؛ از سوی دیگر، نفوذ بر نخبگان این کشورها از طریق آموزش و تسلط به زبان ترکی و انگلیسی به کمک نهادها و مدارس جماعت می‌تواند به همدلی آن‌ها در آینده برای جنبش گولن و ترکیه منجر گردد (Sharon-Krespin, 2009, Middle East Quarterly).

۷. ابعاد سیاسی و غیر دموکراتیک جنبش

به لحاظ ساختار سازمانی، طرفداران جنبش گولن همواره از عدم تمرکز فعالیت‌های آن سخن به میان می‌آورند. اما شواهد محدودی در این ادعاها وجود دارد؛ چرا که خط مشی اصلی جنبش از سوی فتح الله گولن و افراد نزدیک او تعیین می‌شود. هاله‌ای از راز و رمز پیرامون فتح الله گولن را

سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۶

فراگرفته است و طرفدارانش او را یک روحانی عادی نمی دانند، بلکه در وجود گولن یک منجی می بینند و او را امام خطاب می کنند. همانگونه که مصطفی آکیول^۱ نویسنده ترک بر این مسأله تاکید می گذارد که از دید هوادانش، گولن نجات دهنده است؛ یک نسخه اسلامی مسیح؛ کسی که از جهان اسلام حفاظت می کند و نهایتاً از جهان به طور عام. برخی از طرفدانش حتی معتقدند که او حضرت محمد را در خواب می بیند و دستورات را از او دریافت می کند) (Akyol, 2016: The New York Times). اقتدار و تسلط گولن بر تصمیمات و سیاست های این جنبش که ویژگی های یک فرقه مذهبی را در خود جمع کرده است، بی چون و چراست. تصمیمات عمدتاً از بالا به پایین، از سوی او و اصحاب نزدیکش اعلام و به حلقه های درجه دوم و سوم جنبش منتقل می شود. این روند هم عمدتاً جنبه محرمانه دارد. این ویژگی ها لایه های پنهان جنبش می باشند، که فعالین آن مایل به افشای آن در حوزه عمومی و رسانه نیستند.

هاکان یاوز^۲ پژوهشگر ترک به سه حلقه در جماعت اشاره دارد. حلقه مرکزی که گروه اصلی از افراد از معتقدان بی چون و چرای وفادار به جنبش هستند و فعالیت های مربوط به آن را مدیریت می کنند. این گروه اصلی شامل تعدادی قابل توجه از فارغ التحصیلان دانشگاهی رشته های فنی از مناطق روستایی و شهرهای کوچک ترکیه هستند. این هسته مرکزی شامل سی تن (برادران قدیمی) می شود که برخی از آنها از دوستان نزدیک و شاگردان گولن می باشند. افراد فوق مشغول پیشبرد سیاست های روزانه جنبش می باشند و تمام



بهار ۱۳۹۶
سال سوم، شماره ۹

^۱. Akyol, M

^۲. Yavuz, M. H

وقت کار می‌کنند و از نهادهای جنبش گولن حقوق دریافت می‌کنند. شمار زیادی از این هسته مرکزی سابقه گرایش‌های ملی گرایانه ترکی دارند. حلقه دوم افرادی که از اهداف ملی-دینی گولن حمایت می‌کنند و مستقیماً در خلق کار از طریق فعالیت‌های خیریه (خدمت) مشارکت دارند، شامل اصناف (بازرگانان کوچک و متوسط) و بازرگانانی که از معتمدین بنیادهای جنبش گولن می‌باشند. نهایتاً حلقه سوم که همان طرفدارانند که از اهداف جنبش هواداری می‌کنند، اما در تحقق این اهداف مشارکت مستقیم نمی‌کنند. اما این گروه هم تا اندازه‌ای در حمایت از کار خوب در مدارس، روزنامه‌ها یا خوابگاه‌ها و نهادهای آن درگیرند (YAVUZ, 2003: 189).

یاوز به درستی بعد از برشمردن این ساختار سلسله‌مراتبی جنبش، ابراز می‌دارد که جنبش گولن در فعالیت‌های پیرامونی خود کمتر متمرکز، اما یک دیسپلین شبه‌نظامی در هسته رهبری اش دارد. این ویژگی رهبری محوری، ساختار سلسله‌مراتبی و غیرانتخابی، اتخاذ تصمیمات از بالا به پایین و اطاعت مطلق پیروان آن در حلقه‌های پایین، یادآور سازمان‌ها و جنبش‌های لنینیستی است. این خصلت‌های غیردموکراتیک ساختاری، برای یک جنبش دینی صرف می‌تواند چالش‌زا نباشد، اما تبعات منفی این ویژگی‌ها برای جنبشی با جاه-طلبی‌های سیاسی می‌تواند برای جامعه و دولت در یک کشور گسترده باشد؛ تحولات یک دهه اخیر در ترکیه نیز، این مساله را عیان ساخت.

از سوی دیگر بعد دیگر غیردموکراتیک این جنبش، به تناقضات گفتمان و رفتار سیاسی گولن و هوادارانش برمی‌گردد. گفتمان ایدئولوژیک جنبش، وجوهی از ناسیونالیسم ترکی با تفسیری محافظه‌کارانه از اسلام و گرایش‌های مدرن را در خود جمع کرده است؛ به‌نوعی که نشانه‌ها و دال‌های شناور در این

گفتمان با تبدیل به وقته^۱ و تثبیت معنا در گفتمان (تقلیل چندگانگی معنایی آنها به یک معنای کاملاً تثبیت شده)، یک سیستم معنایی را برساخته‌اند که با برخی از مفاهیم مدنی و مدرن چون دموکراسی، گفتگوی بین دینی، صلح، تساهل و اقتصاد بازار ترکیب شده است. نشانه‌های گفتمانی، چنان در این سیستم معنایی صورت‌بندی شده‌اند که در ظاهر تناقضی در این گفتمان مشاهده نمی‌شود. از طرف دیگر، برخلاف جریان‌های اسلام‌گرای سیاسی در خاورمیانه، اسلام تنها دال مرکزی گفتمان نیست، بلکه در کنار آن ملیت ترکی در یک زنجیره هم‌ارز و منسجم دال مرکزی دیگر آن است. (Conner, 1997: 52; Pecheux, 1982: 18).

یکی از تناقضات گفتمان گولنیست‌ها در تعریفی است که از هویت ملی ترکیه ارائه می‌کنند. این رویکرد به هویت، با تعریف دموکراتیک از هویت ملی در کشوری چندفرهنگی فاصله زیادی دارد و به حذف گروه‌های مختلف اجتماعی منجر می‌گردد. لایه اسلامی (اسلام سنی با پسوند ترکی) نادیده گرفتن علوی‌ها را به دنبال داشته و دارد. تأکید بر بعد ترکی اسلام و هویت ترکی نیز، منجر به ناخشنودی کردها و بر شدت دشمنی جریان‌های ملی‌گرای کرد نسبت به گولنی‌ها افزوده است.

دید گولن و رسانه‌های جنبش در خصوص مساله کردها، به نگرش جریان‌های پوپولیست راست گرا در ترکیه نزدیک است. آن‌ها نیز دارای گرایش‌های دولت‌محورانه و عمدتاً در پی سیاست‌زدایی از مساله و هویت‌کردی از لحاظ نظری و عملی هستند و مشکل را در ملی‌گرایی کردی می‌بینند. همین رویکرد گولنیست‌ها، که حزب عدالت و توسعه نیز تا حدودی آن را دنبال می‌کند، تردید

^۱ Moment



جدی را در خصوص تعهد آنها به پلورالیسم فرهنگی ایجاد کرده است (Gunes and, Zeydanlioglu, 2013: 272).

اظهارات خود گولن نیز، نگاه توطئه محور و امنیتی گولن نسبت به مساله کردها در ترکیه را نشان می دهد. این دید تفاوت چندانی با رویکرد کمالیستی ندارد. مثلا در مصاحبه ۱۳ ژانویه سال ۲۰۰۵ محمد گوندیم^۱ با گولن، او در پاسخ به سوال گوندیم مبنی بر اینکه لیلا زانا و دوستانش یک اعلامیه را در مطبوعات فرانسوی منتشر ساخته اند و در آنجا مطرح کرده اند که ترکیه باید به یک کشور دموکراتیک حقیقی تبدیل و به پلورالیسم فرهنگی و سیاسی احترام بگذارد و آنچه را که برای ترک‌های قبرس می‌خواهد، برای کردها در داخل تضمین کند، ابراز می‌دارد: اینونو و اوزال دو ریس جمهور ترکیه هردو کرد و از شهرهای جنوب شرق ترکیه بودند و به افراد دیگری از کردها که در دولت و حزب عدالت و توسعه فعال بوده‌اند، اشاره می‌کند؛ این خواسته‌ها در گذشته نیز اعتنایی بدان‌ها نشده و نمی‌شود؛ آنچه که من شنیده‌ام و با افرادی ملاقات کرده‌ام، ۹۰ تا ۹۵ درصد مردم در جنوب شرقی از چنین مطالباتی حمایت نمی‌کنند. آن‌ها مقصر تحریکات و کشاندن جوانان به خیابان‌ها و سوزاندن ماشین‌ها هستند و... امثال لیلا زانا و دوستانش در ظاهر به گفتگو اعتقاد دارند. ارزیابی من این است که شماری از همین افرادند که در جنوب شرقی تحریک و به شرارت‌ها دامن می‌زنند که شمارشان هرگز بیش از ۵۰۰ نفر نبوده است. من هرگز این هراسان کردن افکار عمومی را با این رویکردهای خام، که برخی از این افرادی درگیر آن هستند، را واقعا نمی‌فهم؛ اشخاصی که تحصیل کرده و پست‌های مهمی داشته‌اند و در گذشته نیز از سوی مردم انتخاب شده‌اند.

^۱. Gundem

حکومت یک گام مصالحه‌جویانه برداشته و مردم را آزاد گذاشته؛ این افراد بایستی برگردند و بگویند که ما در رابطه با ملتمان در گذشته اشتباه می‌کردیم؛ آنها بایستی مسیری را که منتهی به وحدت و ادغام و انسجام است در پیش بگیرند، آنها یک عذرخواهی از عموم مردم بدهکار هستند (Gundem,2005,en.fgulen.com).

به دلیل این رویکرد و تبلیغات گولنی‌ها علیه نیروهای سیاسی کرد، فعالیت‌های جنبش گولن در قالب نهادهای آموزشی و فرهنگی در مناطق کردنشین ترکیه، همواره با واکنش تند ملی‌گرایان کرد و حزب کارگران کردستان (PKK) مواجه شده است. آن‌ها از فعالیت‌های موسسات آموزشی و مدارس گولنی‌ها در کردستان نگران و برنامه‌های آن‌ها را در راستای پروسه همگون‌سازی کردها ارزیابی می‌کنند و همواره به اشکال مختلف، نگرانی خود را از فعالیت جنبش گولن ابراز داشته‌اند که می‌توان به بیانیه انتشار یافته در شهر ماردین (۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰) اشاره کرد که در آن، به خانواده‌های کرد درخصوص فرستادن فرزندانشان به چنین مدارس و مؤسسات هشدار داده شده بود. گاهی این رقابت‌ها به خشونت هم کشیده شده است. چنانکه در مرکز شهر حکاری در (۲۰۱۰) چند تن از فعالین مذهبی که رابطه نزدیکی با جنبش گولن و فعالیت‌های آن در مناطق کردنشین داشتند، کشته شدند (Turam,2011: 203).

از سوی دیگر، شعار گفتگوی بین دینی گولنیست‌ها، فقط به اقدامات نمادین آن‌ها با مسیحیان و یهودیان محدود شده است و در عمل جنبش علاقه‌ای به پذیرش تکثر مذهبی در داخل ترکیه و جهان اسلام ندارد. رویکرد سرد گولن به ایران و شیعیان در جهان اسلام در ترکیه مشهور است. بعد از سال ۲۰۱۴ گزارش و مقالاتی در روزنامه بوگون انتشار یافت یا برنامه‌هایی از شبکه سامان



یولو وابسته به جنبش پخش شد، که رگه های ضد شیعی آن آشکار بوده است؛ این مسأله مورد انتقاد برخی از نویسندگان ترک هم قرار گرفت (Ozan Kutahyali, 2014: al-Monitor).

از دیگر ویژگی گفتمان و عمل جنبش که همواره منشاء انتقادات عمده‌ای از آن ها شده است و برخی از آن ها ابعاد غیردموکراتیک این جنبش را عیان می سازند، عبارتند از: ۱- مسأله جنسیت و ارزش‌ها و درک محافظه‌کارانه گولن و جنبش نسبت به حقوق زنان، ۲- عدم انتقاد از نقض آزادی‌های فردی و اجتماعی، ۳- حمایت از کودتای ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ و دولت محوری گولن، ۴- سیستم آموزشی وظیفه‌محور و غیر انتقادی جنبش.

در خصوص حقوق زنان، گولن اگرچه خود از حقوق زنان دفاع می‌کند، اما مشارکت زنان در جنبش محدود و نمادین است. فتح الله گولن در مصاحبه‌اش در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۵ در خصوص حقوق زنان در اسلام، با آوردن مثال‌های مختلف از حضور زنان در تاریخ صدر اسلام در همه حوزه‌های مختلف جامعه، معتقد است که در اسلام چیزی تحت عنوان محدود کردن زنان و فعالیتشان به خانه وجود ندارد، زنان حتی می‌توانند قضاوت کنند (چنانچه ابوحنیفه تأیید می‌کند). در ترکیه امروز هم، زنان می‌توانند در همه حوزه‌ها فعالیت داشته باشند. تفسیرها در این خصوص، باید متناسب با فرهنگ زمان باشد؛ ما نبایستی در دام تاریخ‌گرایی بیفتیم (Gundem, 2005: en.fgulen.com). علیرغم این دفاع نظری گولن از حقوق زنان، اما در موسسات جنبش، تفکیک جنسیتی آشکار و به زنان اجازه فعالیت در پست‌های بالای مدیریتی شبکه‌ها، موسسات و امپراطوری رسانه‌اشان داده نشده است.

تساهل گولن و جنبش نسبت به جریان‌های منتقدشان، مانند جریان‌های محافظه‌کار ترکیه آشکارا محدود است. گولن و هوادارانش، کمترین انتقادی را از سیاست‌های سرکوب‌گرانه دولت، درخصوص روزنامه‌نگاران مستقل و فعالین حقوق بشر که به‌خاطر ابراز دید انتقادی زندانی شده‌اند، به‌عمل نیاورده‌اند. بنابراین سخت است که پروژه گولن و جنبش را لیبرال یا دموکراتیک خواند، بلکه می‌توان آنرا یک جنبش اجتماع‌گرایانه دو رگه که ریشه در سنت ترکی-اسلامی دارد، خواند (Yavuz and Esposito, 2003: 30).

جدا از گرایش‌های غیر دموکراتیک نهفته در گفتمان و عمل جنبش، رفتار سیاسی آن در هم‌پیمانی و حمایت از حزب عدالت و توسعه در انتخابات مختلف و سهم خواهی از این حزب، نقش عمده در پرونده سازی‌ها علیه برخی از نظامیان ارتش در سال ۲۰۰۸، نشان از ماهیت عمیقاً سیاسی جنبش دارد که رهبرانش به‌طور رسمی همواره این مساله را انکار می‌کنند. در اوایل تشکیل حزب عدالت و توسعه، رهبران آن پیوند نزدیکی با جنبش گولن داشتند. حمایت‌های گولنی‌ها نیز، تا حدودی در پیروزی ۳ نوامبر ۲۰۰۲ که حزب عدالت و توسعه موفق به کسب ۴۳٪ آراء و تشکیل دولت شد، بی‌تاثیر نبود. حمایت‌ها هم عمدتاً از طریق رسانه‌ها و کانال‌های تلویزیونی جنبش انجام می‌گرفت. جنبش نیز، با حمایت دولت در سال ۲۰۰۵، کنفدراسیون تجار و صنعتگران را تشکیل داد که ۱۲۴ اتحادیه تجاری و ۹۵۰۰ نفر تاجر را در برمی‌گرفت و راه را برای فعالیت بانک آسیا در سال ۲۰۰۶ در ترکیه و خارج هموار کرد. علاوه بر این از آزادی بیشتری در امور مسائل آموزشی و فرهنگی برخوردار شدند. خود عبدالله گل نیز به جنبش سمپاتی داشت و یک پروفیسور



نزدیک به فتح الله گولن را بنام «یوسف ضیاء اوزکان» به ریاست شورای آموزش عالی ترکیه منصوب کرد. او همچنین از اختیارات ریاست جمهوری، جهت انتصاب هواداران گولن به ریاست دانشگاه‌ها استفاده کرد (Sharon-Krespin, 2009, Middle East Quarterly).

جنبش گولن با حزب عدالت و توسعه در خصوص مسائلی چون دموکراسی، درک معتدل از سکولاریسم، اصلاحات قانون اساسی (گولن از هواداران خود خواست که به رفراندوم قانون اساسی رای مثبت دهند)، گرایش‌های محافظه کارانه، پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا و اقتصاد بازار اشتراک نظر داشت. به همین دلیل تا سال ۲۰۱۲ متحد اردوغان باقی ماند. اقدامات مشترک آن‌ها در زمینه مدارس و آموزش، تجارت پرسود و احداث بانک اسلامی آسیا، تسهیلات ایجاد شده برای کمپانی‌هایی که مالکان آن‌ها سرمایه داران محافظه کار و نزدیک به جنبش گولن در کنفدراسیون صنعت گران ترکیه^۱ بودند، با همراهی در سفرهای خارجی و مشارکت در پروژه‌های سرمایه گذاری در کشورهای آفریقا و آسیای شرقی، حکایت از حمایت حزب عدالت و توسعه از آن‌ها داشت. حزب عدالت و توسعه نیز در این سال‌ها چون از سوی نظامیان احساس تهدید می‌کرد، به این حمایت نیاز داشت. گولنیست‌ها سهم عمده‌ای در پرونده سازی و دستگیری برخی از نظامیان ارتش در سال‌های بعد از ۲۰۰۸ از جمله در پرونده‌های مشهور به ارگنه کون^۲ داشتند. این حادثه انتقادات گسترده‌ای را از جنبش در سطح داخلی و خارجی برانگیخت.

^۱. TUSKON

^۲. Ergenekon

جدا از سهم‌خواهی سیاسی جنبش، تلاش جهت تاثیرگذاری بیشتر بر سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه، سرانجام منجر به تنش بین آن‌ها و حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۱۲ گردید. اختلافات آنها، بعد از حادثه کشته شدن اتباع ترکیه در جریان حرکت کشتی آزادی برای شکستن محاصره غزه و تشدید تنش‌ها با اسرائیل، آغاز و با افزایش قدرت اردوغان و گرایش‌های اقتدارگرایانه او تشدید شد. مثلاً گولن به نقد سیاست اردوغان و غیرقانونی شمردن به چالش کشیدن مشروعیت دولت اسرائیل در مصاحبه با وال استریت ژورنال آمریکایی پرداخت (Seufert, 2014: 19). اخراج برخی از اعضای نهادهای قضایی و نظامی نیز، چندان خوشایند جنبش گولن نبود. مذاکرات با حزب کارگران کردستان، استعفای هاکان اسکور از حزب عدالت و توسعه، اعتراضات پارک گزی و واکنش تند و اقتدارگرایانه اردوغان به معترضین، از دیگر مسائل مورد اختلافات طرفین بودند. اما به دنبال فاش ساختن فسادهای مالی برخی وزراء دولت و اعضای خانواده اردوغان از سوی اعضای جنبش گولن (دسامبر سال ۲۰۱۳)، انتشار گفتگوی مقامات سیاسی و امنیتی ترکیه در خصوص سوریه همزمان با انتخابات شهرداری‌ها در ترکیه و گسترش موج تبلیغات گولنی‌ها بر ضد اردوغان و حزب حاکم در رسانه‌هایشان همراه با نیروهای اپوزیسیون سکولار، تنش و رویارویی طرفین به اوج خود رسید (Akyol, 2014, Almonitor).

بعد از این حوادث بود که جنبش از سوی اردوغان و رهبران حزب عدالت و توسعه، متهم به تلاش جهت ایجاد دولت موازی شد و فعالیت بسیاری از نهادها، کمپانی‌ها و روزنامه‌های وابسته به آن محدود شد. همچنین به درخواست اردوغان، لیستی از افسران نظامی وابسته به آن جهت تصفیه از ارتش تهیه شد.



کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ که گولن متهم به سازماندهی آن شد، منجر به چالش های جدی برای تداوم فعالیت گولنیست ها در داخل ترکیه گشت.

کودتا در اثر مقاومت نهادهای دیگر دولت و مخالفت مردمی ظرف چند ساعت ناکام ماند. در روزهای بعد از این حادثه، رجب طیب اردوغان و رهبران حزب عدالت و توسعه، فتح الله گولن و جنبش خدمت را متهم به سازماندهی کودتا نمودند. اگرچه تایید این ادعا هنوز نیاز به زمان و مدارک موثق دارد؛ اما در خلال ماه های اخیر، موجی از سرکوبی موسسات، کمپانی ها و رسانه های نزدیک به گولنیست ها به راه افتاد و هزاران نفر از افراد نزدیک به این جنبش از نهادهای دولتی تصفیه شدند.

فتح الله گولن با انتشار بیانیه و از جمله انتشار مطلبی تحت عنوان «من همه تهدیدها برای دموکراسی ترکیه را محکوم می کنم»، اتهامات وارده را تکذیب کرد و ابراز داشت که فلسفه من اسلام فراگیر و تکتراگراست؛ ارائه خدمت به انسان با هر عقیده ای و در تضاد با شورش مسلحانه است. او همچنین به تعهدش بر انتخاب حکومت از طریق انتخابات آزاد و عادلانه و نه زور تاکید کرد (Gulen, July 25, 2016: The New York Times).

علیرغم این محکومیت رسمی و انکار مشارکت در کودتا، موج تبلیغات ضد گولنی در ترکیه از سوی رسانه ها، مقامات دولتی و احزاب اپوزیسیون تاکنون ادامه داشته و دارد. با سرکوب های گسترده بعد از کودتا، جنبش فرصت های ساختاری قبل را در داخل ترکیه از دست داده است. به نظر می رسد تا آینده ای نامعلوم زیر زمینی شده و همچنان فعالینش تحت تعقیب قرار گیرند، اما به دلیل پایگاه اجتماعی آن در میان لایه های مختلف جامعه ترکیه ریشه کن نخواهد

شد. برخلاف محدودیت‌ها در داخل ترکیه، جنبش در خارج به دلیل سرمایه عظیم، کادرها و سازماندهی وسیع، همچنان به تداوم فعالیتش ادامه خواهد داد.

۸. نتیجه‌گیری

جنبش اسلام‌گرای گولن، از دهه ۱۹۷۰ تا به امروز در ترکیه از طریق فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و اقتصادی در عرصه جامعه مدنی ترکیه فعال بوده است. جنبش از دهه ۱۹۹۰ به بعد، فعالیت‌هایش را به آسیای میانه و بعدها اروپا و ایالات متحده گسترش داده است و ماهیت پیچیده و چند لایه آن، منشاء مباحثات عمده‌ای ما بین صاحب نظران جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه شده است. گفتمان جنبش ترکیبی از گرایش‌های ناسیونالیسم ترکی با یک اسلام‌گرایی محافظه‌کار است که با برخی از مفاهیم مدنی و مدرن چون دموکراسی، گفتگوی بین‌دینی، صلح، تساهل، اقتصاد بازار تلفیق شده است.

مقاله حاضر ضمن بحث از رهبری جنبش، فعالیت آن در داخل و خارج و آراء ضد و نقیض نویسندگان مختلف در خصوص آن، ابعاد غیردموکراتیک ساختار رهبری، گفتمان و رفتار سیاسی فعالین و رهبری آن را مورد بحث قرار داد. رویکرد و رفتار سیاسی گولن و فعالین جنبش در یک دهه اخیر نشان می‌دهد، که عناصر و ارزش‌های دموکراتیک در این جریان صرفاً جنبه گفتمانی و ابزاری دارد. از سوی دیگر، وارد شدن در ائتلاف‌های انتخاباتی در ادوار مختلف، دست داشتن در پرونده سازی علیه برخی از اعضای ارتش و کمالیست‌های مخالف گولن، سهم خواهی از دولت اردوغان و ضدیتش با پروسه مذاکرات صلح با کردها با ادعاهای گولن و فعالین جنبش در خصوص غیرسیاسی بودن آن در تضاد می‌باشد. مطالب مطرح شده در بخش ابعاد غیردموکراتیک و سیاسی جنبش در مقاله، تاییدکننده فرضیه مقاله است که بر عدم التزام عملی گولنیست



ها به ارزش های دموکراتیک و ماهیت عمیقاً سیاسی این جریان دارد. تحولات سال‌های اخیر به ویژه نضج‌گیری اختلافات گولنی‌ها با اردوغان و حزب عدالت و توسعه و متهم شدن به سازماندهی کودتای اخیر، باعث از دست رفتن فرصت های ساختاری فعالیت جنبش تا آینده ای نامعلوم در داخل ترکیه شده است؛ اما در خارج به واسطه حجم فعالیت ها و امکانات وسیع آن، همچنان به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

فهرست منابع

- Akyol, M. (2014). "What you should know about Turkey's AKP-Gülen conflict". *Al Monitor*, 3, available at:
- Akyol, M. (JULY 22, 2016). Who Was Behind the Coup Attempt in Turkey? Available at: http://www.nytimes.com/2016/07/22/opinion/who-was-behind-the-coup-attempt-in-turkey.html?rref=collection%2Ftimestopic%2FAkyol%2C%20Mustafa&action=click&contentCollection=opinion®ion=stream&module=stream_unit&version=latest&contentPlacement=2&pgtype=collection&r=0
- Alston, W. P. (1964). *Philosophy of language*. New York: St Martin Press.
- Bilginçan, M. (2016). Everything you've ever wanted to know about Fethullah Gülen, Turkey's most controversial cleric. available at: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/04/turkey-fethullah-gulen-cleric-opposition-erdogan-akp.html>
- Bilici, M. (2006). "The Fethullah Gülen movement and its politics of representation in Turkey". *The Muslim World*, 96(1), 1-20.
- Carroll, B. J. (2007). *A Dialogue of Civilizations: Gülen's Islamic Ideals and Humanistic Discourse*. New Jersey: Tughra Books.
- Conner, S. (1997). *Postmodern Culture*. Second Edition. Bkackwell Publishers.
- Ebaugh, H. R. (2009). *The Gülen movement: A sociological analysis of a civic movement rooted in moderate*

- Islam.,New York,Department Of Sociology University Of Hudson.
- Ergene, M. E. (2008). *Tradition Witnessing the Modern Age: An Analysis of the Gulen Movement*. Tughra Books.
- Gulen,F(JULY 25, 2016).Fethullah Gulen: I Condemn All Threats to Turkey's Democracy. Available at: <http://www.nytimes.com/2016/07/26/opinion/fethullah-gulen-i-condemn-all-threats-to-turkeysdemocracy.html?action=click&contentCollection=Opinion&module=RelatedCoverage®ion=EndOfArticle&pgtype=article>
- Gulen,F.(September 14.2014) . "Fethullah Gulen Condemns ISIS Over Brutal Atrocities". Available at: <http://fethullahgulenforum.org/inpress/76/fethullah-gulen-condemns-isis-over-brutal-atrocities>
- Gulen's .F, "Biography",available at: <http://www.fethullah-gulen.org/biography.html>
- Gudem, M.(2014) ,"Women Rights In Islam,25 January2005.availableat": www.en.fgulen.com.
- Gudem, M.(2014) . "Identity, Kurd Issue and Central Asia.13" January 2005.available at: www.en.fgulen.com.
- Gunes, C., & Zeydanlioglu, W. (2013). *The Kurdish Question in Turkey: New perspectives on violence, representation and reconciliation*. London. Routledge.
- Hendrick, J. D. (2013). *Gülen: the ambiguous politics of market Islam in Turkey and the world*. NYU Press.
- <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2014/01/akp-gulen-conflict-guide.html>
- Hunt, R. A., & Aslandogan, Y. A. (2007). *Muslim Citizens of the Globalized World: Contributions of the Gülen Movement*. Newjersy.The Light,Inc.
- Irvine, J. (2007). "The Gülen movement and Turkish integration in Germany".*Muslim Citizens of the Globalized World: Contributions of the Gülen Movement*, 62-84.
- Jenkins, G.(2007). "AKP Forming Closer Links With The Gulen Movement.Eurasia Daily Monitor Volume.No.4.Issue:217." Available at: <https://jamestown.org/program/akp-forming-closer-links-with-the-gulen-movement/>

- Kalyoncu, M. (2008). *A civilian response to ethno-religious conflict: The Gülen movement in southeast Turkey*. Tughra Books.
- Karamyan, A. I. T., & Naseer, R. (2012). "Turkish Growing Influence in Central Asian Countries in Post-Cold War Era." *Berkeley Journal of Social Sciences*, 2(5), 1-12.
- Kim, H. C. (2008). *The nature and role of Sufism in contemporary Islam: A case study of the life, thought and teachings of Fethullah Gülen*. ProQuest. Temple University.
- Koc, D. (2016). "Strategic Defamation of Fethullah Gülen: English vs. Turkish". *European Journal of Economic and Political Studies*, 4(1), 189-244.
- Kuru, A. T. (2007). "Changing perspectives on Islamism and secularism in Turkey: The Gülen Movement and the AK Party." available at: www.rohan.sdsu.edu/.../AK_Party_and_Gulen.pdf.
- Kuru, A. T. (2007). "Changing perspectives on Islamism and secularism in Turkey: The Gülen Movement and the AK Party." *Muslim world in transition: Contributions of the Gülen movement*, 140-51.
- Lacey, J.(2014). "Expansions Of Gülen Movement Organization Westwards. June 22." Available at: <http://www.gulenmovement.us/expansion-of-gulen-movement-organizations-westwards.html>
- Nash, K.(2010). "Contemporary political sociology : globalization, politics and power." Second Edition. John Wiley & Sons Ltd.
- Ozan Kutahyali, R.(March 5, 2014). "Gülenists use hate speech against Shiites, Iranians." Available at:<http://www.almonitor.com/pulse/originals/2014/03/turkey-gulen-hate-speech-shiites-iran.html>
- Pandya, S., & Gallagher, N. (2012). *The Gülen Hizmet Movement and Its Transnational Activities: Case Studies of Altruistic Activism in Contemporary Islam*. Universal-Publishers.Florida. Brown Walker Press.
- Rabasa, A., & Larabee, F. S. (2008). *The rise of political Islam in Turkey* (Vol. 726). Rand Corporation.
- Rubin, M. (2014). *Extradite Fethullah Gülen? Commentary*(5/13/2014).
- Seufert, G. (2014). "Is the Fethullah Gülen Movement overstretching itself? A Turkish religious community as a



- national and international player.” *German Institute for International and Security Affairs*.
- Sharon-Krespin, R. (2009). “Fethullah Gülen’s Grand Ambition.” *Middle East Quarterly*. Vol.16,N.1.
- Tittensor, D. (2014). *The House of Service: The Gulen Movement and Islam’s Third Way*. Oxford University Press.
- Turam, B. (Ed.). (2011). *Secular state and religious society: two forces in play in Turkey*. Palgrave Macmillan.
- Ward, B.(August 3.2016).The “Government Response to Turkey’s Coup Is an Affront to Democracy”. available at: <https://www.hrw.org/news/2016/08/03/government-response-turkeys-coup-affront-democracy>
- Yavuz, M. H. (2003). *Islamic political identity in Turkey*.Oxford university press.
- Yavuz, M. H., & Esposito, J. L. (2003). *Turkish Islam and the secular state: The Gèülen Movement*. Syracuse University Press.